

الله أكبر
الحمد لله
الكرين



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیریت تحصیلات تکمیلی
پژوهشکده ادبیات

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عرب

عنوان پایان نامه

نقد و بررسی و تحلیل شرح ابوهلال عسکری

بر دیوان ابو محجن ثقفی

استاد راهنما

دکتر فیروز حریرچی

استاد مشاور

دکتر علیرضا میرزا محمد

پژوهشگر

اسماء زارعی

بهمن ماه ۱۳۸۹

تقدیم به آنان که در فور ستایش، تقدیر و عطوفت
هستند :

عموی عزیزم که شراب ناب دلدادگی شهادت را جرعه جرعه
نوشید و عاشقانه در دفاع از خاک میهن به سوی محشوق
ابدیش پر کشید.

مادر بزرگ مهربانم که هر روز با چیدن سیب دعا از باغ
سرسبز دلش مرا بدرقه سفر دانش می کرد.

پدر و مادر دلسوز و زحمتکش که همیشه در سایه سار مهر
و محبتشان زیستم و همچو باغبانی صبور در سفت ترین
شرایط، زندگی کردند تا نهال زندگی اشان را به ثمر برسانند.

با سپاس فراوان از

فدای بی همتا که در وصف نگنجد و بار دیگر فرصتی اعطا کرد تا مرمله دیگری از زندگی خود را با موفقیت طی کنم.

به رسم "مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَفْلُوقَ لَمْ يَشْكُرِ الْفَالِقَ"

از دکتر فیروز مریری

که راهنمایی این پایان نامه را بر عهده داشتند و به دور از هر گونه اغراق حسن فلق او یکی از عوامل اساسی تشویق بنده به اتمام هر چه سریعتر این رساله بود و انگیزه ای شد تا در پژوهش های بعدی خود به معرفی مابقی شاعران گمنام شعر فتوم در صدر اسلام و آثار ابوهلال عسکری بپردازم. صمیمانه تشکر می کنم.

دکتر علیرضا میرزا محمد

استاد عالم و فرزانه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، که الحق با دقت های موشکافانه خود بنده را از مشورت های راهگشایش بهره مند سافت و قطعا دقت والای او منجر به بررسی تک تک صفحات پایان نامه و تصحیح آن با جان و دل شد. کمال تشکر دارم.

دکتر قیس آل قیس

مدیر محترم گروه زبان و ادبیات عرب که هیچ کمکی را در راستای رسیدن به تحقق فواسته های علمی دانشجویان دریغ نمی کرد و با تلاش های وافر و بی وقفه فویش در پژوهشگاه که هدف وی چیزی جز خدمت فالصانه و صادقانه نبود، سپاسگزارم.

دکتر محمد ابراهیم فلیفه شوشتری

استاد فرهیفته و فاضل دانشگاه شهید بهشتی که داوری این پایان نامه را برعهده داشتند صمیمانه تشکر می کنم.

در ضمن از پرسنل محترم بخش های آموزش و تحصیلات تکمیلی بالافص سرکار خانم اجلی، کتابخانه مرکزی پژوهشگاه علوم انسانی خصوصا جناب آقای دکتر رادفر و دوست عزیزم سرکار خانم مسینیان فر که بنده را در این امر فطیر یاری نمودند، کمال تشکر دارم.

چکیده

ابومحجن ثقفی از شعرای مخضرمی است که دو عصر جاهلی و اسلام را درک کرد و از باده نوشانی بود که بدین خاطر بارها حد شرعی بر او اجرا شد و با شرکت در فتوحات در زمان خلیفه دوم و جنگ قادسیه جهت گسترش دین اسلام در ایران، اشعاری در تفاخر به رشادت های خود و قبیله اش و رثاء همزمانش سرود که به اشعار فتوح شهرت یافته است.

قطعه هایی که از اشعار او به دست آمده (حدود ۱۰۰ بیت) شامل سروده های جنگی، تفاخرات قبیله ای و چند مرثیه، حکمت، حماسه و خصوصاً خمریات است که باعث شهرت ابو محجن شده است.

قسمت بیشتر دیوان وی را، ادیب و لغت شناس قرن چهارم ابوهلال عسکری، شرح کرده است. در رساله حاضر قصد آن داریم که به بررسی و نقد شرح ابوهلال بر این دیوان پردازیم و بدین منظور برای دستیابی به این هدف ابتدا زندگی نامه ابو محجن و نقش وی در پیروزی مسلمانان علیه ایرانیان در جنگ قادسیه، زیبایی شناسی فخریات و خمریات و سبک شاعری وی در دو عصر جاهلی و صدر اسلام به صورت مجزا و خصائص اشعار فتوح و تأثیر دو عامل اساسی دین اسلام و خلق و خوی عمر بن خطاب بر مضامین خمریات وی مورد بررسی قرار گرفته و سپس تاریخچه تحول نقد عربی از عصر جاهلی، تا عباسی و شیوه های نقد عربی و معرفی ابوهلال عسکری ارائه گردیده و در نهایت شرح ابوهلال عسکری از دریچه نقد مورد بررسی قرار گرفته است.

با بررسی و نقد این شرح در می یابیم که شرح وی از زیبایی ها و نکات بلاغی و اطلاعات تاریخی و لغوی فراوانی برخوردار است که در کمتر کتابی به آن بر می خوریم، هرچند دارای نقایص و اشتباهاتی است که در حد امکان سعی شده، به اصلاح و تکمیل آن پردازیم.

واژگان کلیدی: ابو محجن ثقفی، نقد، ابو هلال عسکری، محاسن، نقایص.

فهرست مطالب

۱	فصل اول معرفی عصر شاعر
۲	عصر شاعر
۳	۱. عصر جاهلی
۳	۱.۱. تعیین محدوده عصر جاهلی
۳	۱.۲.۱. موضوعات شعر جاهلی
۳	۱.۱.۲.۱. وصف
۴	۱.۲.۱.۲. مدح
۴	۱.۲.۱.۳. حماسه
۴	۱.۲.۱.۴. رثاء
۴	۱.۲.۱.۵. هجاء
۵	۱.۲.۱.۶. فخر
۵	۱.۲.۱.۷. غزل
۵	۱.۲.۱.۸. خمر
۵	۱.۲.۱.۹. زهد و حکمت
۶	۱.۲.۱.۱۰. ارزیابی شعر عصر جاهلی
۶	۱.۲.۲.۱. خصائص بارز معانی و خیال شعر جاهلی
۶	۱.۲.۲.۲. خصوصیات بارز الفاظ و اسالیب
۷	۳. عصر اسلامی
۸	۱.۳.۱. تعریف واژه مخضرم
۸	۱.۲.۳.۱. ادب مخضرم
۸	۱.۳.۳.۱. شعرای مخضرم
۹	۱.۳.۴. اغراض و فنون شعر مخضرم
۱۰	۱.۳.۵. مشخصات شعر مخضرم

۱۲	فصل دوم زندگینامه ابو محجن ثقفی
۱۳	۱.۲ معرفی ابو محجن
۱۳	۱.۱.۲ اختلاف نظر پیرامون اسم ابو محجن
۱۳	۲.۱.۲ معرفی قبیله ابو محجن
۱۳	۳.۱.۲ چگونگی مسلمان شدن ابو محجن
۱۵	۴.۱.۲ خصوصیات اخلاقی ابو محجن
۱۵	۱.۴.۱.۲ باده نوشی
۱۷	۲.۴.۱.۲ عشق ورزی
۱۷	۲.۲ وصیت ابو محجن قبل از مرگ
۱۹	۳.۲ اغراض اشعار ابو محجن در عصر جاهلی
۱۹	۱.۳.۲ فخر و حماسه
۲۱	۲.۳.۲ حکمت
۲۱	۳.۳.۲ خمریات
۲۲	۴.۳.۲ غزل
۲۴	۴.۲ ویژگی های اشعار ابو محجن در عصر جاهلی
۲۴	۱.۴.۲ سادگی و وضوح معانی
۲۴	۲.۴.۲ آمیختن چند مضمون شعری در یک قصیده
۲۵	۳.۴.۲ صدق
۲۵	۴.۴.۲ فی البداهه شعر سرودن
۲۵	۵.۴.۲ قلت اشعار
۲۶	۶.۴.۲ تقلید
۲۷	۱.۶.۴.۲ تقلید از منخل الیشکری
۲۷	۲.۶.۴.۲ تقلید از الفند الزمانی
۲۹	۵.۲ موضوعات شعر ابو محجن در عصر اسلامی
۲۹	۱.۵.۲ اشعار فتوح

۲۹ جنگ جسر ۱.۱.۵.۲
۳۱ جنگ قادسیه ۲.۱.۵.۲
۳۵ موضوعات اشعار فتوح ابو محجن ۳.۱.۵.۲
۳۷ خصایص بارز اشعار فتوح ۴.۱.۵.۲
۴۰ حکمت ۲.۵.۲
۴۰ خمریات ۳.۵.۲
۴۰ تأثیر اسلام بر خمریات ابو محجن ۱.۳.۵.۲
۴۲ تأثیر خلق و خوی خلیفه دوم بر شراب نوشی ابو محجن ۲.۳.۵.۲
۴۳ عکس العمل معاویه نسبت به خمریات ابو محجن ۳.۳.۵.۲
۴۵ فصل سوم تاریخچه نقد عربی از عصر جاهلی تا عصر عباسی فصل سوم تاریخچه نقد عربی از عصر جاهلی تا عصر عباسی
۴۶ کلیاتی در رابطه با نقد ۱.۳
۴۶ معنای لغوی نقد ۱.۱.۳
۴۶ معانی اصطلاحی نقد ۲.۱.۳
۴۷ شیوه های نقد عربی ۳.۱.۳
۴۸ نقد ظاهری ۱.۳.۱.۳
۴۸ نقد لغوی ۱.۱.۳.۱.۳
۴۹ نقد فنی ۲.۱.۳.۱.۳
۵۰ نقد بلاغی ۳.۱.۳.۱.۳
۵۰ نقد معنایی ۲.۳.۱.۳
۵۰ نقد تاریخی ۱.۲.۳.۱.۳
۵۱ نقد اجتماعی ۲.۲.۳.۱.۳
۵۲ نقد اخلاقی ۳.۲.۳.۱.۳
۵۳ نقد روانشناسی ۴.۲.۳.۱.۳
۵۴ نقد تکاملی ۵.۲.۳.۱.۳
۵۶ نقد در عصر جاهلی ۲.۳

۵۸ ۳.۳. نقد در صدر اسلام و عصر خلفای راشدین
۶۲ ۴.۳. نقد در دوره اموی
۶۳ ۱.۴.۳. نقد در حجاز
۶۴ ۲.۴.۳. نقد در عراق
۶۶ ۳.۴.۳. نقد در شام
۶۸ ۵.۳. نقد در عصر عباسی
۷۶ فصل چهارم زندگینامه ابو هلال عسکری
۷۷ ۱.۴. معرفی ابو هلال عسکری
۷۷ ۲.۴. آثار ابو هلال عسکری
۷۸ ۱.۲.۴. معرفی کتاب صنعتین
۷۹ ۱.۱.۲.۴. هدف ابو هلال از تألیف کتاب صنعتین
۸۰ ۲.۱.۲.۴. شیوه ابو هلال در تألیف کتاب صنعتین
۸۲ ۲.۲.۴. شرح دیوان ابو محجن ثقفی
۸۵ ۱.۲.۲.۴. محاسن شرح ابو هلال
۹۳ ۲.۲.۲.۴. نقایص شرح و نقد ابو هلال
۹۹ فصل پنجم نقد و بررسی و تحلیل شرح ابو هلال عسکری بر دیوان ابو محجن ثقفی
۱۰۰ ۱.۵. قطعه اول
۱۱۲ ۲.۵. قطعه دوم
۱۱۳ ۳.۵. قطعه سوم
۱۱۸ ۴.۵. قطعه چهارم
۱۲۳ ۵.۵. قطعه پنجم
۱۳۲ ۶.۵. قطعه ششم
۱۳۵ ۷.۵. قطعه هفتم
۱۳۹ ۸.۵. قطعه هشتم
۱۴۱ ۹.۵. قطعه نهم
۱۴۳ ۱۰.۵. قطعه دهم

١٤٥.....	١١.٥	قطعة يازدهم
١٤٨.....	١٢.٥	قطعة دوازدهم
١٥١.....	١٣.٥	قطعة سيزدهم
١٥٤.....	١٤.٥	قطعة چهاردهم
١٥٧.....	١٥.٥	قطعة پانزدهم
١٦٠.....	١٦.٥	قطعة شانزدهم
١٦٢.....	١٧.٥	قطعة هفدهم
١٦٦.....		نتيجه گیری
١٦٩.....		الخلاصة العربية
١٧٨.....		فهرست آیات
١٨٠.....		فهرست اعلام
١٨٣.....		فهرست اشعار
١٨٥.....		فهرست منابع فارسی
١٨٩.....		المصادر العربية
١٩١.....		Abstract

پیشگفتار

شرح دیوان های شعرای مشهور، مانند شرح دیوان الهذلیین، شرح دیوان کعب بن زهیر، شرح دیوان فرزددق و... آنچنان علمای ادب عربی را به خود مشغول داشته که از توجه به معرفی شعرایی که دارای اشعار کمی هستند و در کتب تاریخ ادبیات عرب صفحات اندکی به آنها اختصاص یافته که معرف واقعی ایشان و آثارشان نیست، غافل مانده اند.

اما ابو هلال عسکری، ادیب و لغت شناس قرن چهارم، که الحق یکی از ارکان اصلی علم بلاغت به شمار می آید و گواه این مطلب اثر ارزشمند و معروف وی کتاب الصناعیتین است، ضرورت معرفی اینگونه شعرا را که تنها رد پای از ایشان در جاده تاریخ باقی مانده بود، احساس کرد.

ابو محجن ثقفی از جمله شعرایی است، که نام و آوازه پهلوانی های او در جنگ قادسیه، زبانزد خاص و عام جامعه عرب آن زمان بود؛ شرح بخشی از دیوان وی که شامل فخریات، خمریات، حکمت و حماسه بود، در رأس کار ابو هلال قرار گرفت.

شعر فتوح در صدر اسلام بیشتر توسط شاعران مسلمان، در جنگ های قادسیه، یرموک و نهاوند سروده شده و از خصائص و امتیازاتی برخوردار است که نبرد های سخت و جانکاهی را در راه دین خدا و اقامه توحید بیان می کند. این فتوحات افق های تازه ای در شعر صدر اسلام گشود و به آن نوعی رنگ حماسه دینی داده است. در جنگ مسلمانان با ایرانیان نام پهلوان اسلامی، ابو محجن ثقفی، بر سر زبان ها افتاد. اشعار وی تا حدودی حاوی اطلاعات تاریخی راجع به همین جنگ است و علاوه بر آن ابو محجن از باده نشان عصر جاهلی بود که با ظهور دین اسلام و پذیرفتن آن در سال نهم هجری بر مضامین خمریات او تأثیر گذاشت. وی دائم در کشمکش و جدال با اندیشه های قبل و بعد از پذیرش اسلام بود و بدین جهت اشعار ضد و نقیضی که گاه در مذمت شراب و گاهی در ستایش آن، سرود. بررسی این خمریات و علت های مذکور مرا بر آن داشت تا به معرفی این شاعر بپردازم.

البته در این رساله، چون هدف، نقد و بررسی شرح ابو هلال عسکری بر دیوان ابو محجن ثقفی است، پس ضرورت داشت که در فصلی جداگانه به معرفی این دانشمند و ادیب فرزانه و آثار و شیوه های نقد او پرداخته شود، ادیبی که به کثرت تألیف شهرت دارد و همه علمای ادب او را به نام کتاب الصناعیتین می شناسند.

کتاب فراوانی از او در زمینه های مختلف مانند: تفسیر، تاریخ، لغت، ادب به یادگار مانده است که محققان برخی از آنها را به فارسی ترجمه کرده و به شرح و تعلیق برخی دیگر نیز پرداخته اند، که از جمله آنهاست: کتاب معروف "الصناعین" ترجمه محمد جواد نصیری، کتاب "الفروق فی اللغه" ترجمه محمدعلوی مقدم و ابراهیم الدسوقی و کتاب "الوجوه و النظائر" تصحیح و تحقیق کاظم عسکری به عنوان پایان نامه دوره دکترا.

به هر حال، وظیفه داشتم که شرح ارزشمند ابوهلال عسکری را به زبان فارسی ترجمه کنم، و به نقد و بررسی اش پردازم تا محاسن و نقایص آن معلوم شود.

البته، در این راستا لازم است که به سوالات زیر پاسخ داده شود:

(۱). آیا ابوهلال عسکری، شاعر را به صورت کامل، معرفی کرده است؟

(۲). آیا ابوهلال، تمام دیوان ابومحجن را نقد و شرح کرده است؟

(۳). نقاط قوت و ضعف ابوهلال، در شرح دیوان چیست؟

ابو هلال در معرفی شاعر، تنها به اسم و قبیلهٔ ثقیف، که بدان منتسب است، اکتفا می کند. بنابراین، ضرورت معرفی شاعر، به طور کامل در فصلی جداگانه، بیش از پیش احساس می شد. همچنین با بررسی و کنکاش در شرح، معلوم شد که وی بخش عمده ای از دیوان را شرح کرده و نقد نیز، منحصر بر همین قسمت می شود.

از نقاط قوت شرح وی می توان به شرح لغات، از معنای اصلی آنها گرفته تا معانی اصطلاحی و اشتقاقی، شرح حوادث و وقایعی که باعث سرودن هر قطعه شده و استخراج نکات بلاغی و استفاده از آیات قرآن کریم و اشعار عرب به عنوان شاهد مثال اشاره کرد.

از نقایص شرح ابو هلال باید به عدم ذکر منابع، چه در شرح لغات و چه در شرح حوادث. عدم اعراب گذاری ابیات که گاهی منجر به برداشت اشتباه خواننده می شود، اشاره کرد.

از همه مهم تر ابو هلال با تألیف کتاب "الصناعین"، که باعث تحول نقد، از نقد اخلاقی و فطری به نقد بلاغی شد، چگونه از استخراج و شرح آرایه های بیان و بدیع و نکات زیبای معانی که از زیبایی ها و

آفرینش های ادبی ابو محجن به شمار می آید، غافل مانده است، پس قسمت بیشتر نقد شرح وی، بر نقد بلاغی متمرکز می شود تا با استخراج مابقی آرایه های بلاغی، کار ابو هلال تکمیل گردد.

فصل های پژوهش:

از آنجایی که ابومحجن از شعرای مخضرم به حساب می آید که دو عصر جاهلی و اسلام را درک کرده است، ضرورت داشت در اولین فصل، این دو عصر را معرفی کنیم. ابتدا به ذکر محدوده زمانی عصر جاهلی، اغراض و موضوعات شعری و خصائص بارز آن و به همین شیوه، به معرفی عصر اسلامی که شامل مباحثی چون ادب مخضرم، شعرای مخضرم، اغراض و موضوعات اشعار و خصائص بارز آن است، پرداخته ام تا از این رهگذر با اطلاعات و معلومات اجمالی پیرامون این دو عصر، مخاطب را آماده فصل دوم که زندگینامه شخصی و ادبی ابومحجن است، نمایم و دریابیم که وی تاچه اندازه در سرودن اشعار و موضوعات شعری اش تحت تأثیر این دو عصر قرار گرفته است.

در فصل دوم (زندگینامه ابو محجن) به مطالب مهمی مانند اختلاف نظر پیرامون اسمش و معرفی قبیله اش ثقیف و چگونگی مسلمان شدنش و از همه مهم تر خصوصیت بارز اخلاقی او (باده نوشی) که سبب شهرتش نیز شده پرداخته ام و سپس به اغراض اشعار ابومحجن در عصر جاهلی که شامل فخر، حماسه، حکمت و خمریات است همراه با ذکر خصوصیات بارز آن مانند: قلت اشعار، فی البداهه شعر سرودن، تقلید، آمیختن چند مضمون شعری در یک قصیده و... به طور مفصل سخن گفته ام.

پس از بررسی زندگی ابومحجن در عصر جاهلی، به همین روش به اغراض و موضوعات شعری او در عصر صدر اسلام پرداخته ام.

کشور گشایی ها در زمان خلیفه دوم، عمر بن خطاب (رض) و لشکر کشی به ایران و روم جهت گسترش دین اسلام و به دنبال آن وقوع جنگ های جسر، قادسیه، یرموک، نهاوند و حضور شعرای جنگجویی چون: ابومحجن ثقی، عمرو بن معدیکرب، قعقاع بن عمرو، زید الخیل طائی و... در آنها باعث سرودن اشعار حماسی توسط ایشان شد. به این نوع اشعار که شامل اغراضی چون فخر به فرماندهان جنگ و رثاء کشته شدگان بود، شعر فتوح گفته می شود. در این بخش ابتدا به اشعار فتوح ابو محجن و سپس به مابقی اغراض شعری او که شامل حکمت و خمریات است، می پردازیم.

از آنجایی که یکی از اهداف نگارش این رساله، نقد و بررسی شرح ابوهلال عسکری است، پس ضرورت داشت تا فصل سوم را به تاریخچه نقد عربی از عصر جاهلی تا عصر عباسی اختصاص دهیم. البته غرض از نگارش این فصل، اطلاع از چگونگی تحول نقد و شیوه های آن قبل از ابوهلال و سنجش و مقایسه شرح و نقد وی بر دیوان ابو محجن ثقفی با شیوه ها و معیارهای نقادان پیش از اوست، تا به جواب این سؤال برسیم که آیا ابوهلال عسکری در شرح و نقد خود تابع شیوه های نقادان قبل از خود بوده یا اینکه شیوه ای متفاوت با ایشان را در نقد خود در پیش گرفته است.

در این فصل، بخش های زیر مورد بررسی قرار گرفته است: شرح معانی لغوی کلمه "نقد" با توجه به فرهنگ لغت های مشهور و قدیمی عربی مانند: تاج العروس زبیدی، قاموس فیروز آبادی، اساس البلاغه زمخشری، لسان العرب ابن منظور؛ معانی اصطلاحی نقد؛ شیوه های نقد عربی (نقد لغوی، فنی، بلاغی، تاریخی، روانشناسی، اجتماعی و...؛ شیوه نقد در دوره جاهلی که بر اساس ذوق و قریحه ناقدان بود؛ چگونگی تحول نقد در عصر صدر اسلام و خلفای راشدین با توجه به ظهور دین اسلام و نزول قرآن، و بررسی نقد در محیط های سه گانه (حجاز، شام و عراق) در عصر اموی.

اما در عصر عباسی نقد به طور کلی متحول شد، چنانکه ذوق جای خود را به اصول و قوانین مدون علمی داد و این تحول مدیون تلاش های ناقدان برجسته ادبی است که با تألیفاتشان در راه علمی کردن نقد گام برداشتند. در این قسمت وضعیت تحول نقد در چهار مرحله همراه با عوامل تأثیر گذار بر آراء نقدی ناقدان مورد بررسی قرار گرفته است. در مرحله نخست ابتدا به آراء نقدی شخصیت پیشگام در تألیف نقد ادبی در قرن دوم و اوایل قرن سوم ابن سلام جمحی و کتاب معروف او طبقات الشعراء و سپس به تأثیر پیدایش علم کلام و ظهور متکلمین اسلامی از جمله جاحظ در توسعه و تکامل نقد بررسی شده و در بخش پایانی این مرحله به تأثیر تحول زندگی عربی از صحرائشینی به شهرنشینی که باعث ظهور شاعران نوپرداز شد و به فراخور آن ناقدان به سه گروه تقسیم شدند گروهی جانب شعرای قدیم را گرفتند و گروهی جانب شعرای نوپرداز و برخی دیگر مانند ابن قتیبه برتری شعر قدیم را بر شعر جدید و بالعکس پرداخته شده است.

در مرحله دوم به آراء نقدی ابن معتز صاحب کتاب البديع پرداخته شده است چراکه با کتاب او و البیان و التبیین جاحظ هسته اولیه بلاغت عربی شکل گرفت هرچند کتاب البديع به طور غیر مستقیم در حوزه نقد تأثیر گذاشت و با ترجمه دو کتاب الخطاب و الشعر ارسطو و آشنایی علما با اندیشه و بلاغت یونانی ناقدانی

چون قدامه بن جعفر کوشیدند تا با تألیف کتاب نقد الشعر پایه های نقد ادبی را براساس فلسفه و منطق پی ریزی نماید، در بخش پایانی این مرحله به این ناقد پرداخته شده است.

در مرحله سوم با ظهور دو شاعر بزرگ و معروف عرب ابوتمام و بحتری در نیمه اول قرن چهارم و متنبی در نیمه دوم همین قرن باعث جدال و کشمکش بین دوستان ابوتمام و بحتری از طرفی و متنبی و طرفداران یا مخالفانش از سوی دیگر شد، در پی این کشمکش ها مباحث نقدی فراوانی مطرح شد و تألیفاتی پدید آمد که در این مرحله به دو کتاب "الموازنه بین الطائین" آمدی و "الوساطه بین المتنبی و خصومه" قاضی عبدالعزیز جرجانی پرداخته شده است.

در مرحله چهارم به برتری یافتن بلاغت بر نقد با تألیف کتاب الصناعین ابوهلال عسکری و دلائل الإعجاز و اسرار البلاغه عبدالقاهر جرجانی اشاره ای کوتاه شده است.

ابو هلال عسکری جزو آن دسته از ناقدان برجسته ادبی بود که در فصل چهارم به معرفی او پرداخته ایم. از آنجایی که با تألیف کتاب الصناعین، از طرفی باعث تحول نقد از نقد فطری و اخلاقی به نقد بلاغی گردیده و از طرف دیگر در این رساله به نقد اثر مؤلف آن (شرح دیوان ابومحجن ثقفی) پرداخته شده است، ضروری دیدم که در فصلی جداگانه (فصل چهارم) به معرفی بیشتر او و آثار و شیوه اش در تألیف کتاب الصناعین و هدف از تألیف آن و شرح دیوان ابومحجن، و محاسن و نقایص شرح او به صورت مفصل بپردازم.

سرانجام در آخرین فصل رساله (فصل پنجم)، به نقد و بررسی شرح ابوهلال عسکری بر دیوان ابومحجن ثقفی اهتمام ورزیده ام.

قطعات به همان ترتیبی که ابوهلال در شرح آورده، ترجمه و سپس نقد شده اند، با این تفاوت که ابوهلال ابیات هر قطعه را یکجا پشت سرهم نیاورده، پس از شرح هر بیت به بیت بعد می رود، اما من در نقد و ترجمه به شیوه او عمل نکرده ام؛ ابتدا ابیات هر قطعه را یکجا پشت سرهم آورده و سپس به نقد تک تک ابیات پرداخته ام، زیرا احساس کرده ام این روش کمتر وقت مخاطب را می گیرد و وی سریع تر به موسیقی و معنی شعر پی می برد. در نقد هر قطعه، ابتدا شرح ابوهلال به فارسی ترجمه کرده ام و چنانچه نیاز به توضیح بیشتر داشته باشد تحت عنوان گزاره بیت و اشاره های نحوی، آن را تکمیل کرده و سپس به نقد آن پرداخته ام.

بیشتر علمای ادب عربی از معرفی شعرایی که دارای اشعار کمی هستند بالاخص شاعران فتوح در صدر اسلام که حقیقتاً گمنام باقی مانده اند بی توجه بودند. در عصر حاضر نیز متأسفانه محققان کمتر بدان پرداخته اند پس در این رساله سعی شد تا به معرفی یکی از این شاعران و خصائص اشعار فتوح پرداخته شود و امید است این پژوهش راهی را هموار کرده باشد تا پژوهشگران دیگر به معرفی مابقی شعرای فتوح که نیاز به سال‌ها تحقیق دارد، بپردازند.

با نقد یکی از آثار ابوهلال عسکری که به منظور آشکار ساختن بدایع و لطایف شرح او از طرفی و زیبایی‌های ادبی دیوان ابومحجن از طرفی دیگر بود انتظار می‌رود مطالعه این پایان‌نامه انگیزه‌ای باشد تا پژوهشگران بعدی در پژوهش‌های خویش به بررسی و تحلیل و نقد آندسته از آثار ابوهلال که تا کنون بدان، پرداخته نشده است، بپردازند.

فصل اول

معرفی عصر شاعر

عصر شاعر

برخی از ادبای عرب، شعرا را بر حسب زمان تاریخ زندگیشان به سه طبقه تقسیم کرده اند، از این قرار:

الف) شعرای جاهلی: شاعرانی هستند که در زمان جاهلیت زندگی کرده اند.

ب) شعرای مخضرمین: شاعرانی که در زمان جاهلیت و اسلام زندگی کرده اند.

ج) شعرای مولدین: بقیه شعرای عرب می باشند، نزد بعضی از علمای ادب شعرای مولدین شامل دسته ای از شاعران اوایل اسلام است مانند:

فرزدق و جریر و اخطل، و سایر شاعران بعد از آنان را به نام طبقه محدثین می خوانند و طبقات را چهار حساب می کنند. (ترجانی زاده، ۱۳۴۸: ص ۲۱)

ابو محجن از شعرای مخضرمی است که دو عصر جاهلیت و اسلام را درک کرد و برخی اشعار او در عصر جاهلی و مابقی در عصر صدر اسلام سروده شده است. پس ضرورت دارد که اشعار وی را در هر دو عصر مورد بررسی قرار دهیم و قبل از آن، دو عصر جاهلی و اسلامی را به اجمال معرفی کنیم.

۱. عصر جاهلی

۱.۱. تعیین محدوده زمانی عصر جاهلیت

آنچه از اصطلاح "عصر جاهلیت" نخست در ذهن می آید، همه روزگاران پیش از اسلام است، یعنی همه دوره های تاریخ جزیره العرب قبل و بعد از میلاد مسیح، لیکن پژوهشگران ادب جاهلی زمانی بدین وسعت را در نظر ندارند، چرا که بیش از یک قرن و نیم قبل از بعثت پیامبر اکرم (ص) نمی توان عقب تر رفت و به همین مقدار بسنده می کنند. در این دوره است که لغت عربی تکامل یافت و نخستین بار خصائص فعلی را به خود گرفت و شعر جاهلی نیز مربوط به همین عصر است. (شوقی ضیف، ۱۳۶۴: ص ۶۴)

۲.۱. شعر عصر جاهلی

شعر جاهلی در بادیه های نجد و حجاز و سرزمین های پیوسته به آنها در شمال جزیره العرب پدید آمد و رشد کرد. بادیه همواره پایگاه اصلی شعر بود، احساس را رقیق و دل را صفا می بخشید، و شعر در آن مقامی رفیع و تأثیری بسزا داشت. شعر ترجمان احساسات افراد و زبان قبیله و طومار اخبار و سرگذشت های آن بود. (حنالفاخوری، ۱۳۶۳: ص ۴۰)

۱.۲.۱. موضوعات شعر جاهلی

موضوعات شعر جاهلی، مولود زندگی شاعر و احوال طبیعی و اجتماعی او بود. مشهورترین این موضوعات؛ وصف، مدح، رثاء، هجاء، فخر، غزل، خمر، زهد و حکمت بود.

۱.۱.۲.۱. وصف

آنچه شاعر از زمین و آسمان و موجودات دیگر، که بیشتر مظاهر محیط خود اوست، مانند منازل و مسافرت و لوازم بیابان پیمایی و صحرا نشینی، متأثر می شود، به وصف آن می پردازد. ولی باید دانست که وصف به خودی خود غرض و مقصود اصلی نبوده است، بلکه شاعران از آن به عنوان وسیله ای برای رسیدن به آرزو و تحریک احساسات و عواطف مردم استفاده می کنند. (فروخ، ۱۳۸۴: ج ۱، ص ۸۰)

۲.۱.۲.۱. مدح

شاعر زبان قبیله بود. گاه زبان به ستایش سروران و دلیران قبیله خود می گشود. گاه نیز به ستایش دیگر افرادی می پرداخت که از آنها کاری بزرگ یا عملی خیر سر زده بود، هر چند از مردم دیگر قبائل بوده باشند.

مدح را در فرهنگ شاعر بدوی، بابتی مستقل و موضوع آن ذکر فضایل و مفاخر عصر جاهلی بود. شاعر جاهلی مدیحه را برای اخذ صلوات و جوائز کمتر می سرود. غالباً آنچه او را به مدیحه سرایی جلب می کرده، دوست داشتن ممدوح یا سپاسگزاری از او یا به شگفت آمدن از یکی از خصایل او بوده است. (حنالفاخوری، ۱۳۶۳: ص ۴۲)

با نزدیک شدن به اواخر عصر جاهلی می بینیم که شعر وسیله ارتزاق شده است، شاعران مدایح خود را به رؤسای برجسته و شاهان مندر و غسان تقدیم می کنند و صله های گرانبها می گیرند، از شاعران جاهلیت، زهیر و نابغه و حسان بن ثابت به مدحتگری شهره اند.

۳.۱.۲.۱. حماسه

اگر بگوئیم حماسه، مهم ترین موضوعی است که قصاید عربی را انباشته، دور از حقیقت نیست. وقتی جنگ ها شعله ور گردید، شاعران با قهرمان ستایی و خوارداشت مرگ، هیزمکش آتش نبرد می شدند و زیر سایه شمشیرها و نیزه ها حماسه می سرودند و از شرافت و حریم قبیله با تیر زبان دفاع می کردند. در حماسه، تاریخ و مناقب و مفاخر عرب ثبت است و چه فخری بالاتر از دلآوری و خصم افکنی؟ مفضلیات و اصمعیات، پر است از اینگونه مباحات و حماسه ها که بر هر زبان روان بوده است. (شوقی ضیف، ۱۳۶۳: ص ۲۲۳)

۴.۱.۲.۱. رثاء

از موضوعاتی که به حماسه مربوط است، مرثیه است، زیرا در قصاید حماسی، صفات و محاسن قهرمانان مقتول را می ستودند تا قبیله را به خونخواهی برانگیزانند. شاعر در این غرض شعری، با دلی حزین و اندوهبار از مرگ و یاران سخن می گوید.

۵.۱.۲.۱. هجاء

هجاء، سلاح برنده شاعر جاهلی است، شاعر قبیله یا شخص مورد هجو را عاری از صفات پسندیده ای چون شجاعت و کرم، حمایت از همسایه، خونخواهی و ... معرفی می کند و در مقابل، به صفات متضاد آن مثل؛ فرار از جنگ، دست کشیدن از انتقام، خساست و بخل ... متصف می کند. علاوه بر این شاعر به

شکست و خواری قبیله مغلوب در جنگ ها اشاره می کند و شکست را وسیله ای برای حقارت و خواری او محسوب می دارد.

۶.۱.۲.۱. فخر

شاعر بدوی به مناقب خود و قومش فخر می کند. موضوعات فخر در شعر جاهلی، کرامت، شجاعت، بخشش، جوانمردی، کمک به مستمندان، شرف حسب و نسب و شرب خمر و اعمال غیر اخلاقی بود. فخر به دنبال عصیت زندگی قبیله ای به وجود می آمد. شاعر ابتدا به قومش فخر می ورزد و سپس به خودش.

۷.۱.۲.۱. غزل

اساس شعر جاهلی تغزل است. ذکر زن در قصیده با نامهای مختلف مانند عنیزه، سلمی، عبلة، أسما و ... دیده می شود. غزل مجونی و اباحیگری که تصویری از دنیای غیر اخلاقی آنان می باشد، در شعر اکثر شعرای جاهلی دیده می شود. غزل عذری و غفیف اندک بود و فقط در شعر برخی شعرا مانند عنتره دیده می شود.

۸.۱.۲.۱. خمر

شراب از سوریه و فلسطین و دیگر شهرهای مجاور می آمد و تا به بادیه می رسید، بهایش افزون می شد. بنابراین، جز توانگران و بخشندگان و صاحبان کرم کسی را توان باده گساری نبود. بعضی از شاعران گهگاه شراب می نوشیدند و با تفاخر به وصفش می پرداختند. از شاعران جاهلی که سخن از شراب گفته اند، می توان به أعشی و طرفه اشاره کرد. (حنا الفاخوری، ۱۳۶۳: ص ۴۳)

۹.۱.۲.۱. زهد و حکمت

بدوی در شرایط سخت زندگی، همواره دنیا را بی بقا و پر از بلا و جامعه را غرق در فساد می دید، از این رو گهگاهی غم و غصه و درد دل خود را در لفافه بی اعتنایی به دنیا و در قالب وعظ و حکمت و پند و اندرز بیان می کرد و نتایج تأمل و تفکر خود را درباره جهان گذران و تجربیات زندگی طولانی خویش را با عباراتی کوتاه و حکیمانه بر زبان آورده است. (ترجانی زاده، ۱۳۴۸: ص ۳۹)

موضوعاتی که ذکر کردیم، همه در قصیده ای طولانی داخل می شود. شاعر با تشبیب و ابراز شور و شیفگی بر آثار دیار و عشق خویش، قصیده را آغاز می کند، سپس به وصف سفر و چهار پایش (اسب، شتر) می پردازد و سرانجام قصیده را با بیان یکی از اغراض اصلی مدح، هجاء، رثاء، حماسه و ... به پایان می برد.

۲.۲.۱. ارزیابی شعر عصر جاهلی

عرب بدوی، غرق در محیط و آداب تقالید قبیله خود بوده تا جایی که عقل و منطق را نادیده گرفته و افکاری روشن و خیالی کوتاه و نظری واقع بین داشته و با فکری روشن و خیالی ساده و بیانی صادق، طبیعت را بازگونموده است و ادب او، ادب بدیهه و ارتجالی و دور از تفصیل و ترکیب علمی و ترتیب منطقی می باشد. ادبیات جاهلی صورتی راست و درست از آن محیط و اجتماع است و رونوشتی صحیح و مطابق با آن طرز زندگی و آداب و عادات و معلومات و اطلاعاتشان می باشد. پس ادبیات جاهلی ادبیاتی است با لفظی کوتاه و ساده و خیالی سطحی و نغمه ای یکنواخت، مکرر و گاه خشک و محزون. (ترجانی زاده، ۱۳۴۸: ص ۲۷)

۱.۲.۲.۱. خصائص بارز معانی و خیال شعر جاهلی

- وضوح معانی و مطابقت داشتن با واقعیت.
- دور بودن از مبالغه و اغراق.
- کم بودن معانی غریب و به دور از ذهن و متجلی شدن در شکل های خیال بدیع و تشبیهات و استعارات زیبا و حسن تعلیل.
- عدم دقت در ترتیب معانی و افکار به شکل نظامی خاص که ذوق یا عقل آن را ایجاب کند که منجر به انتقال از غرضی به غرض دیگر می شود. (اسکندری، بی تا: ص ۵۰)

۲.۲.۲.۱. خصوصیات بارز الفاظ و اسالیب

- غرابت الفاظ و جزالت آن: در عصر ما این ویژگی در اشعار شعر جاهلی به چشم می خورد اما در عصر جاهلی، کلمات برای شعرا و عرب بدوی، مانوس و مألوف بودند.
- متانت تراکیب و بلاغت اداء آن: ترکیب در شعر جاهلی، متین و بر اساس قواعد زبان عربی استوار بود. تقدیم و تأخیر کلمات، فقط در مواردی که جایز بود، صورت می گرفت و ترکیب ها بلیغ بود به نحوی که معانی مدنظر آن را چه متناسب با واقعیت چه غیر واقعیت، از طریق مجاز یا تشبیهات و کنایات به خواننده القاء می کرد.
- اصلاح و ویرایش قصاید: از آنجایی که اکثر شعرای جاهلی، از روی طبع و ذوق شعر می سرودند، اما شعرای نیز بودند که بعد از سرودن قصیده ای، با دقت و عنایت وافر، به اصلاح آن می پرداختند و راویان به آنها لقب "بنده شعر" می دادند، بدین خاطر که آنها پس از سرودن